

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی

موضوع

بررسی تطبیقی مسأله شرّ از دیدگاه علامه طباطبائی و ملاصدرا

استاد راهنما

آقای دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

استاد مشاور

آقای دکتر مرتضی شجاری

پژوهشگر

لیلا جعفری

زمستان ۱۳۹۲

## تقدیم به:

او که گوی سبقت از صفوف ماسوی الله در ربود، هست و بود عالم اندر ذیل لطفش هست و بود: بانوی خلوت کبریا، مرکز پرگار عشق، گوهر صدف خلقت، صدیقه آل طه، حضرت زهرا «صلوات الله و سلامه علیها» و بر پدر بزرگوارش حضرت محمد مصطفی «صلی الله علیه و آله و سلم» خاتم انبیا و بر همسرش حضرت علی مرتضی «علیه السلام» سید اوصیا و بر فرزندان پاکش و بر آخرین از آنها مهدی زهرا «عجّ الله تعالی فرجه الشریف» همان مردی که آید جمعه روزی، و این پایان خوب انتظار است.

و پدر و مادر عزیزم.

پاس خدایی را که اول است و پیش از او اولی نبوده و آخر است و پس از او آخری نباشد و پاس خدایی را که خویشتر را به ما شناساند و شکر و پاس خود را به ما الهام نمود و در مای علم را بر ما کشود. بی شک به انجام رساندن این پیمان نامه بدون مساعدت و بهکاری اساتید ارجمند و دوستان عزیز امکان پذیر نبوده است، لذا وظیفه خود می دانم که مراتب پاس و قدر دانی خود را به تمامی این عزیزان ابراز نمایم. در ابتدا، چنانکه پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» فرموده اند: «دانش بیاموزید و با دانش، وقار و آرامش آموزید و نسبت به آموزگار خویش فروتن باشید.»

در ابتدا از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر قربانعلی کریم زاده که با تمامی تلاش، راهنماییهای دلسوزانه و اندیشمندانه، بلائخص نیت ادب و صبر و حوصله که از فضایل بارز اخلاقی ایشان می باشد؛ از استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر مرتضی شجاری که با مشاوره دوراندیشانه علمی و راهنمایی خودشان و با فروتنی بسیار خاصی که واقعا مثال زدنی است، مراد طول تدوین این پیمان نامه یاری رسانند، صمیمانه قدر دانی و شکر می نمایم؛ از مدیریت گروه فلسفه و کلام اسلامی، جناب آقای دکتر حمیدرضا سروریان، و ریاست محترم دانشکده الهیات و علوم اسلامی جناب آقای دکتر ناصر فروبی؛ و از بهکاران محترم در دانشگاه تبریز کمال شکر و پاس را دارم.

لیلا بختی

نام خانوادگی: جعفری

نام: لیلا

عنوان پایان نامه: بررسی تطبیقی مساله شرّ از دیدگاه علامه طباطبائی و ملاصدرا

استاد راهنما: آقای دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

استاد مشاور: آقای دکتر مرتضی شجاری

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فلسفه اسلامی گرایش: فلسفه و کلام اسلامی

دانشگاه: تبریز دانشکده: الهیات و علوم اسلامی تاریخ فارغ التحصیلی: ۹۲/۱۱/۱۶ تعداد صفحه: ۱۰۴

واژه های کلیدی: خیر، شرّ، نظام احسن، نیست انگاری شرّ، ملاصدرا، علامه طباطبائی.

چکیده: مسئله شرّ یکی از مسائل بنیادی در نظام های الهیاتی، به ویژه در فلسفه اسلامی به شمار می آید. فلاسفه اسلامی، بحث شرّ را با تحلیل مفهومی آن آغاز می نمایند، در این تحلیل نشان می دهند که شرّ امر عدمی اعم از عدم ذات و یا عدم کمال ذات است. ملاصدرا و علامه طباطبائی از جمله فیلسوفان اند که با تأکید بر اهمیت مسأله، تبیین جامع از ابعاد آن ارایه کرده اند و در بیشتر آثار فلسفی خود از نظریه نیستی انگاری شرّ دفاع و آن را برهانی دانسته اند. «نظام احسن» در دستگاه فلسفی ملاصدرا، به طور خاص، جایگاه ویژه ای دارد. ملاصدرا بر پایه نظام فلسفی خود جهان هستی را برآمده از نظام ربانی دانسته که دارای بهترین شکل ممکن می باشد. وی بر اساس مبانی فلسفی خود از جمله؛ اصالت وجود، تشکیک در وجود، نیست انگاری شرّ، مساوت وجود با خیر، غلبه خیرات بر شرور... به مسأله شرّ پاسخ می گوید و قضا و قدر الهی را دو مرتبه از مراتب علم خداوند می داند. علامه طباطبائی از یک سو همانند ملاصدرا نظام حاکم بر هستی را استوارترین نظام دانسته و آن را میرهن ساخته است و از سوی دیگر از نظریه نیست انگاری شرّ دفاع و آن را برهانی دانسته و از این طریق به ابعاد مسأله شرّ پاسخ گفته است. البته دیدگاه وی در خصوص قضا و قدر از جامعیت بیشتری برخوردار است. تبیین و توصیف مواضع وفاق و اختلاف این دو فیلسوف در مسأله شرّ و ابعاد آن از مهم ترین یافته های پژوهش می باشد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱-۱-۱	تبيين مسأله.....
۲	.....
۱-۲-۱	پيشينه مسأله.....
۳	.....
۱-۳-۱	سوالات تحقيق.....
۵	.....
۱-۴-۱	فرضيات تحقيق.....
۵	.....
۱-۵-۱	روش تحقيق.....
۶	.....
۱-۶-۱	سازماندهی مباحث.....
۶	.....
۱-۷-۱	مفهوم شناسی شرّ.....
۷	.....
۱-۷-۱-۱	شرّ در لغت.....
۷	.....
۱-۷-۱-۲	تعريف اصطلاحی شرّ.....
۸	.....
۱-۷-۱-۲-۱	تعريف مفهومی.....
۸	.....
۱-۷-۱-۲-۲	تعريف مصداقی.....
۱۰	.....
۱-۷-۱-۳	شرّ در اصطلاح متکلمان.....
۱۲	.....
۱-۷-۱-۴	مسأله شرّ در اصطلاح فيلسوفان اسلامي.....
۱۲	.....
۱-۷-۱-۴-۱	ابن سينا.....
۱۲	.....
۱-۷-۱-۴-۲	صدرالمتألهين.....
۱۴	.....
۱-۷-۱-۴-۳	علامه طباطبائی.....
۱۵	.....
۱-۷-۱-۵	بيان دیدگاه ها درباره ماهیت شرّ.....
۱۸	.....
۱-۷-۱-۵-۱	نظريه موهوم انگاری شرّ.....
۱۸	.....
۱-۷-۱-۵-۲	نظريه نيست انگارانه شرّ.....
۱۹	.....

- ۲۰-۳-۵-۷-۱ نظریه هست انگاری تقسیمی.....
- ۲۱-۴-۵-۷-۱ نظریه ترکیبی.....
- ۲۱-۵-۵-۷-۱ دیدگاه ملاصدرا درباره ماهیت شرّ.....
- ۲۴-۶-۵-۷-۱ دیدگاه علامه طباطبایی درباره ماهیت شرّ.....

### فصل دوم: مسأله شرّ و نظام احسن

- ۲۷-۱-۲ مقدمه.....
- ۲۸-۲-۲ علم باری تعالی.....
- ۲۸-۱-۲-۲ علم عنایی از نظر ابن سینا.....
- ۲۹-۲-۲-۲ علم عنایی از نظر ملاصدرا.....
- ۳۱-۳-۲-۲ علم عنایی از نظر علامه طباطبایی.....
- ۳۱-۳-۲ مبانی نظام احسن از دیدگاه ملاصدرا.....
- ۳۱-۱-۳-۲ اصالت وجود.....
- ۳۲-۲-۳-۲ خیر بودن وجود.....
- ۳۳-۳-۳-۲ تعلق اراده و رضای حق.....
- ۳۴-۴-۲ براهین اثبات نظام احسن.....
- ۳۴-۱-۴-۲ از طریق برهان لمی.....
- ۳۶-۲-۴-۲ از طریق برهان انی.....
- ۳۷-۵-۲ جهان مادی بهترین جهان ممکن است.....
- ۳۸-۶-۲ شرور و نظام احسن.....
- ۳۸-۱-۶-۲ پاسخ به اشکال نظام احسن.....
- ۳۸-۱-۱-۶-۲ نظریه هست انگاری تقسیمی.....

## فصل سوم: ارتباط مسأله شرّ با قضا و قدر الهی

- ۳-۱- مقدمه..... ۴۴
- ۳-۲- معنا شناسی قضا و قدر..... ۴۴
- ۳-۲-۱- قضا و قدر در لغت..... ۴۴
- ۳-۲-۲- قضا و قدر در اندیشه صدر المتألهین..... ۴۵
- ۳-۲-۲-۱- مراتب علم الهی در اندیشه صدر المتألهین..... ۴۵
- ۳-۲-۲-۲- دیدگاه خاص ملاصدرا درباره قضا..... ۴۷
- ۳-۲-۲-۳- نقد علامه از دیدگاه خاص ملاصدرا..... ۴۸
- ۳-۲-۳- قضا و قدر در اندیشه علامه طباطبایی..... ۴۹
- ۳-۲-۳-۱- مراتب علم الهی در اندیشه علامه طباطبایی..... ۴۹
- ۳-۲-۳-۲- مقایسه قضا و قدر در اندیشه علامه طباطبایی..... ۵۵
- ۳-۳- ارتباط مراتب قضا با مفاهیم دینی از نظر علامه و ملاصدرا..... ۵۶
- ۳-۳-۱- تبیین ارتباط از دیدگاه ملاصدرا..... ۵۷
- ۳-۳-۲- تبیین ارتباط از دیدگاه علامه طباطبایی..... ۵۸
- ۳-۴- شرّ و قضای الهی..... ۵۸
- ۳-۴-۱- عنایت الهی..... ۵۸
- ۳-۴-۲- کیفیت دخول شرّ در قضای الهی..... ۶۱

## فصل چهارم: مسأله شرّ و صفات خدا

- ۴-۱- مقدمه..... ۶۱
- ۴-۲- دیدگاه حکمت متعالیه درباره ذات و صفات الهی..... ۶۷
- ۴-۲-۱- صفات ذاتیه و فعلیه..... ۶۸



- ۶۸..... حکمت الهی ..... ۱-۱-۲-۴
- ۷۰..... رابطه حکمت الهی با شرور ..... ۱-۱-۱-۲-۴
- ۷۵..... قدرت الهی ..... ۲-۱-۲-۴
- ۷۵..... اراده الهی از حیث معناشناسی ..... ۱-۲-۱-۲-۴
- ۷۶..... دیدگاه ملاصدرا درباره حقیقت اراده الهی ..... ۲-۲-۱-۲-۴
- ۷۷..... دیدگاه علامه طباطبایی درباره حقیقت اراده الهی ..... ۳-۲-۱-۲-۴
- ۷۸..... تطبیق نظرات علامه طباطبایی با ملاصدرا در رابطه با اراده ..... ۴-۲-۱-۲-۴
- ۷۸..... سازگاری بیان علامه با آیات و روایات ..... ۵-۲-۱-۲-۴
- ۷۹..... اثبات اراده الهی ..... ۶-۲-۱-۲-۴
- ۸۰..... عدل الهی ..... ۳-۱-۲-۴
- ۸۱..... رابطه عدل و حکمت الهی با شرور ..... ۱-۳-۱-۲-۴
- ۸۲..... توحید ..... ۴-۱-۲-۴
- ۸۲..... توحید در نگرش ملاصدرا ..... ۱-۴-۱-۲-۴
- ۸۳..... توحید در نگرش علامه طباطبایی ..... ۲-۴-۱-۲-۴

#### فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری

- ۹۲..... جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱-۵
- ۹۶..... منابع و مأخذ ..... ۹۶

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

## ۱-۱- تبیین مسأله

وجود کاستی‌ها و شرّ در برگهای زرین کتاب تکوین عنایت الهی، ذهن هر بیننده و اندیشمندی را به خود معطوف می‌کند و زمینه پیدایش سؤالات و شبهاتی را درباره سازگاری شرّ با ذات خدا و صفات کمالی خدا، مانند: عدل، قدرت، علم و خیرخواهی محض را به وجود می‌آورد. بشر از دیرباز با حوادثی نظیر؛ سیل، بیماری‌ها و مرگ و... دست به گریبان بوده است و به دلیل تاثیر منفی این قبیل حوادث در روند زندگی روزمره‌اش از آنها به شرور یاد می‌کند. این مسئله در ادیان مختلف مورد بحث قرار گرفته است، به طوری که برخی بدلیل دور از انتظار دانستن صدور این قبیل امور از سوی خداوند، قائل به ثنویت شده و برای این دسته از امور، خالق دیگری در نظر گرفتند و برخی به الحاد کشیده شدند، در این میان اندیشمندان اسلامی با ردّ ثنویت و اعتقاد به توحید، گاه منکر شرّ بودن این امور و گاه منکرآفرینش مستقل این امور و گاه آن را ضرورت جهان ماده دانسته که به دلیل تزامم مادیات بوجود می‌آیند به طوری که اگر ضرورت جهان ماده نبود اصلاً به وجود نمی‌آمدند و گاه به دلیل اینکه برآیند کلی جهان خیر است، خلقت آن را منطقی دانسته‌اند؛ در رابطه با مسئله شرّ حکیمانی چون افلاطون با ابداع عدمیت شرور و ارسطو با طرح تقسیم پنج‌گانه خیر و شرّ از پیشگامان این عرصه به حساب می‌آیند که به تبیین این مسئله اقدام نموده‌اند، اما با نیم‌نگاهی به آثار حکیمان مسلمان چون: ابن سینا، سهروردی، میرداماد، قطب الدین شیرازی و حکیمان معاصر، چنین بدست می‌آید که این شخصیت‌ها در سایه معارف قرآن و اهل بیت به تفسیری دقیق‌تر برای حل این معضل دست یافته‌اند به طوری که اثبات اعتباری بودن شرور و معرفی موطن شرور با ذکر اقسام عالم

وجود به وسیله ابن سینا و اقامه برهان برای علت وجود تضاد در عالم ماده و تعطیلی فیض الهی به وسیله شیخ اشراق و ارائه تفسیری دقیق از کیفیت دخول شرور در عالم قضای الهی به وسیله میرداماد و اقامه برهان برای عدمیت شرور به وسیله قطب الدین شیرازی صورت گرفته که در جایگاه خود دستاوردهای بدیعی به حساب می آیند و از آنجا که این مسئله در قرن اخیر علیه اندیشه دینی مطرح شده است، جامعه فلسفی امروزی نگاهی دوباره به دیدگاه حکمای اسلامی را مورد تایید قرار می دهد و ضرورت طرح این مسئله تا آنجاست که بار دیگر این موضوع مورد نگارش واقع شود. این پژوهش با جهت گیری مطالعه تطبیقی به بررسی مسأله ی شرّ از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی پرداخته و با صید شباهت‌ها و تفاوت‌های واقعی در صدد فهم عمیق مسأله است.

#### ۱-۲- پیشینه مسأله

توجه به مسأله شرّ از دیرباز مورد توجه اصحاب فکر و اندیشه جهان بوده و یکی از مباحث مطرح در نزد فیلسوفان یونان باستان بوده است. در این میان البته فلاسفه مسیحی نیز مطالعات و نظریاتی در این خصوص ارائه کرده اند. اندیشمندان بسیاری در طول تاریخ دینداری به بحث و بررسی مشکل شرور نشستند. شماری، شرور عالم را ناسازگار با وجود خدا و صفات حق تعالی می دانند و عده ای ناسازگاری شرور با وجود خدا و صفات حق تعالی را بر نمی تابند و از شباهت ملحدان پاسخ می دهند. در جمهور افلاطون، وجود شرور ناسازگار با خیرخواهی خداوند نمایانده شده است و نسبت شرور به خدا انکار شده است (افلاطون، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۳۳).

در جهان اسلام گروهی به بحث و بررسی شرور پرداخته اند. برخی، شرور را با صفات آفریدگار ناسازگار می خوانند. برای نمونه واصل بن عطاء بنیان گذار فرقه معتزله آفریدگار هستی را حکیم و عادل می خواند و نسبت ظلم و شرّ را به خدا ناروا می داند (قدردان قراملکی، ۱۳۷۷، ۲۱-۲۰).

حکیمان و فیلسوفان جهان اسلام به ویژه بزرگان سه حوزه فلسفی مشاء، اشراق و حکمت متعالیه از چشم انداز ویژه‌ای به این مسئله نگریسته‌اند. مثلاً ابن سینا در بیان کیفیت دخول شرور در قضاء الهی و انواع شرّ به نظر وی توصیف خداوند به خیر محض با وجود شرور در عالم هستی سازگار نیست (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۶۶۸).

لاهیجی نیز از ناسازگاری صفات خدا با وجود شرور می‌گوید: «چون ثابت شد که جمیع موجودات واقع‌اند به قضا و قدر الهی و از جمله موجودات به حسب ظاهر شرور است که واقع است در عالم. پس لابد است از بیان آن که صدور شرّ از خیر محض چگونه ممکن تواند بود و لابد است اول از تحقیق ماهیت شرّ» (لاهیجی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۳۲۳).

ملاصدرا به عنوان یکی از حکیمان متأله در سنت فلسفه اسلامی با مبانی و تئوری‌های خاصی به تحقیق و بررسی دقیق درباره مسأله بسیار مهم شرور پرداخته‌اند. وی با استفاده از مبانی اصالت و خیر بودن وجود، عالم، قادر و حکیم بودن خدا و احسن بودن نظام هستی و راه حل‌های عدمی بودن شرّ و تبیین شرّ ادراکی و مجعول بودن شرور و غلبه خیرات بر شرور مشکل شرور را حل می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷: ۷۱-۹۵).

علامه طباطبایی، خیر و شرّ را بحث و بررسی و پاسخ‌های استواری به مخالفان داده و راه‌حلی از شرور عرضه می‌دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۰).

نگارنده با استقراء به این نتیجه رسیده است که در این زمینه سه تحقیق (کتاب و پایان نامه) صورت گرفته است البته ادعای استقراء تام را ندارم.

الف) کتاب مسأله شرّ در حکمت و شریعت از آقای دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

ب) کتاب مسئله‌ی شر و خدا از آقای محمدحسین قدردان قراملکی

ج) پایان نامه بررسی تطبیقی مسأله شرّ از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی (پایان نامه کارشناسی

ارشد آقای مجتبی صادقی)

### ۱-۳- سوالات تحقیق

الف. سؤال اصلی

۱. دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در رابطه با مسئله شرّ چیست؟

ب. سوالات فرعی

۱. شرّ چیست؟

۲. خیر چیست؟

۳. مصادیق شرّ کدام است؟

۴. اقسام شرّ چیست؟

۵. راه حل بر مسئله شرّ کدام است؟

۶. دیدگاه‌های مختلف در رابطه با ماهیت شرّ چیست؟

### ۱-۴- فرضیات تحقیق

ملاصدرا و علامه طباطبایی در بیشتر آثار فلسفی خودشان از نظریه نیستی‌انگاری شرّ دفاع و آن

را برهانی دانسته‌اند. این دو فیلسوف با مبنا قراردادن این نظریه به تبیین نظام احسن پرداخته و به ابعاد

گوناگون مسأله شرّ پاسخ داده‌اند.

#### ۱-۵- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، تحلیلی و توصیفی می‌باشد بدین نحو که پژوهشگر ابتدا با مراجعه به کتابخانه‌های متعدد و بهره‌مندی از متون و مواد کتابخانه‌ای به تحلیل داده‌ها پرداخته در ادامه با مقایسه این داده‌ها به نتیجه‌هایی که از آن مقایسه‌ها منتج شده است می‌پردازد.

#### ۱-۶- سازماندهی مباحث

این پایان‌نامه به ترتیب به شرح ذیل تدوین شده است:

فصل اول: درآمدی بر مسأله شرّ (کلیات)، مفهوم شناسی شرّ، تعریف لغوی تعریف مفهومی و

اصطلاحی، تعریف مصداقی شرّ، بیان دیدگاه‌ها درباره ماهیت شرّ

فصل دوم: مسأله شرّ و نظام احسن، علم عنایی، مبانی نظام احسن، اصالت و خیر بودن وجود،

شروع و نظام احسن و نظریه هست‌انگاری تقسیمی در پاسخ به اشکال وارده بر نظریه نظام احسن.

فصل سوم: مسأله شرّ و قضا و قدر، معانی قضا و قدر، مراتب علم الهی، عنایت الهی و مقایسه

قضا و قدر، کیفیت دخول شرّ، شرّ و قضای الهی.

فصل چهارم: مسأله شرّ و صفات خدا، دیدگاه حکمت متعالیه درباره ذات و صفات الهی، صفات

ذاتیه و فعلیه، حکمت الهی، اعتقاد به حکمت الهی و رابطه آن با شرّ، حقیقت اراده الهی و اثبات آن،

عدل الهی و رابطه آن با شرّ، توحید و پاسخ به شبهه ثنویت.

فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری

## ۷-۱- مفهوم شناسی شرّ

در فرهنگ لغات تعریف شرّ به صورت ذیل آمده است.

### ۱-۷-۱- شرّ در لغت

راغب اصفهانی در مفردات می نویسد: «الشرّ الذی یرغب عنه الكل، كما ان الخیر هو الذی یرغب فیہ الكل».

شرّ به معنای چیزی است که هر کس از آن اعراض و نفرت دارد ( راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۹۰).

و در لسان العرب شرّ ضد خیر و هر چیز بد و زشت، بیان شده است ( ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۷:۷۷).

طبرسی فرموده خیر نفع خوب و شرّ ضرر قبیح می باشد. «وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ» ( بقره / ۲۱۶). در آیات گاهی معنی ضرر مناسب است مثل آیه فوق و گاهی معنای قبیح و بد مثل «أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا ...» ( یوسف / ۷۷).

در اقرب الموارد گوید: شرّ اسمی است جامع تمام رذائل و خطایا و در «فُلَانٌ شَرٌّ النَّاسِ» اسم تفضیل است همزه آن در اثر کثرت استعمال حذف شده چنان که در «فَلان خیر الناس».

همچنین در آیه «أُولَئِكَ هُمُ شَرُّ الْبَرِيَّةِ» ( بینه / ۶). و نظیر آن اسم تفضیل است و ایضا در آیه « قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ» (مائده / ۶۰) و نظائر آن، باید به قرینه «من» تفضیلیه اسم تفضیل باشد



(قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ج ۴، ۱۴).

#### ۱-۷-۲- تعریف اصطلاحی شرّ

شناخت هر مفهومی منوط به تحلیل از سه طریق (لغوی، مفهومی، مصداقی) می باشد و از آنجا که معنای شرّ رابطه نزدیکی با معنای خیر دارد لازم است در توضیح معنای شرّ، معنای خیر نیز تبیین شود.

به طور کلی برای شرّ دو دسته تعریف ذکر شده است: الف) تعریف های مفهومی

ب) تعریف های مصداقی

#### ۱-۲-۷-۱- تعریف مفهومی

فلاسفه در تحلیل مفهومی خیر و شرّ یکسان نمی اندیشند بلکه آنان در مواجهه با این مسأله تصورات گوناگون و متفاوتی دارند که در اینجا به اختصار به چهار رهیافت آنها اشاره می کنیم.

الف) خیر به معنای وجود مطلوب

یعنی خیر آن چیزی است که همه بدان اشتیاق داشته و شرّ آن چیزی است که همه از آن اعراض می کنند. به عبارت دیگر خیر وجود و کمال وجود است و شرّ عدم کمال شیء (ابن سینا، ۱۳۷۶، ۳۵۵).

ب) خیر به معنای لذت و شرّ به معنای درد و الم؛ براساس این تعریف، لذت بالاترین خیر است که همه فعالیت های آدمی متوجه آن است و در مقابل درد و رنج، چیزهایی هستند که طبیعت آدمی از آنها متنفر بوده و از آنها اجتناب می نماید (کریم زاده قراملکی، ۱۳۹۲، ۳۵).

ج) خیر به معنای ملایم و شرّ به معنای ناملایم

بدین صورت که خیر را سازگار و موافق با هدف و ملایم با طبع و مزاج و شرّ را امر غیرموافق با هدف و ناملایم با طبع و مزاج تعریف می‌کند (همان). مرحوم علامه جعفری با ارجاع مفهوم شرّ به ناملایمات و ناراحتی این رهیافت را چنین توضیح می‌دهد

«اما حل اشکال شرور می‌توان گفت که در این مساله اشتباهی در به کاربردن کلمه «شر» رخ داده است، ما اگر به جای استعمال کلمه شرّ، ناملایمات و ناراحتی و بی‌آسایشی استعمال کنیم، نه تنها با نظر به جریان پدیده‌ها و شأن انسانی خلاف واقع نگفته‌ایم بلکه با ضرورت منطقی هم موافقت کرده‌ایم، در کلمه شرّ - که ضد یا نقیض خیر است - مفهومی از ستمگری وجود دارد» (جعفری، ۱۳۵۲، ۲۶۹).

#### د) مساوقت خیر با وجود و شرّ با عدم

براساس این تعریف، خیر و شرّ به وجود و عدم برمی‌گردد، یعنی وجود و خیر مساوی، بلکه مساوق هم هستند به طوری که هر وجودی، خیر و هر خیری نیز امروبودی است. خیر بودن اصل وجود و اینکه هستی منشأ همه خیرهاست، تردیدی نیست به طوری که حکما این مسأله را بدیهی تلقی نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ۲۳۳). در عین حال می‌توان خیریت وجود را با این بیان اثبات کرد که «خیر مطلوب اشیاء و امری خارجی و واقعی می‌باشد پس، اگر شرّ امر عدمی نباشد، هر وجودی خیر نخواهد بود بلکه برخی از وجودها خیر بوده و بعضی از آنها شرخواهد بود اما چون رابطه وجود و خیر، مساوقت است و هر وجودی خیر است و هر خیری امر وجودی است، پس شرّ از یک امر عدمی انتزاع می‌شود و هرگز یک امر عدمی بما هو امر عدمی، نمی‌تواند منشأ خیر باشد. از این تحلیل معلوم می‌شود که تقابل خیر و شرّ، تقابل عدم و ملکه می‌باشد زیرا رابطه عدم و شرّ مساوی نیست، بلکه عدم اعم از شرّ است، به طوری که هر شری عدمی است و اما، هر امر عدمی،

شرّ نخواهد بود بلکه شرّ، عدم خاص است و البته هر عدمی متّصف به شریّت نمی‌شود آن عدم متّصف به شریّت می‌گردد که عدم ملکه باشد و آن عدم ملکه از موضوع قابل و مستعد می‌باشد نه عدم مطلق» (سبزواری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۶۸).

#### ۱-۷-۲-۲- تعریف مصداقی

از آنجاکه در تعریف خیر خصوصاً شرّ اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، معمولاً دانشمندان- حتی فلاسفه- نیز نتوانسته‌اند تعریف مشخصی برای مفهوم شرّ ارائه کنند. اما اغلب مردم حتی فیلسوفان در مصداق شرّ و وضعیت‌هایی که شرّ تلقی می‌شوند اتفاق نظر و اجماع دارند و به جای تعریف‌های ماهوی شرّ، به تعریف مصداقی آن پرداختند. در اینجا به برخی از تعریف‌های مصداقی شرّ می‌پردازیم

الف) گاهی شرّ را به دو قسم، شرّ اخلاقی و شرّ طبیعی تقسیم می‌کنند. ملاک در این تقسیم‌بندی، دخالت کردن یا نکردن اراده و اختیار انسان در پدید آمدن شرّ می‌باشد. بدین‌گونه که اگر اراده انسان در پدید آمدن شرّ دخیل باشد آن را شرور اخلاقی می‌نامند و اگر اراده انسان در آن دخیل نباشد آن را شرور طبیعی می‌نامند. از قبیل زلزله و سیل و...

ب) در یک تقسیم‌بندی دیگر شرّ را به شرّ ما بعد الطبیعی، شرّ طبیعی و شرّ اخلاقی تقسیم کرده‌اند.

مراد از شرّ ما بعد الطبیعی، شری است که ویژه موجود ممکن الوجود می‌باشد اعم از، موجود مادی یا مجرد. علت آن را هم وجود ماده و هیولی که امر عدمی است و محدودیت عالم امکان نسبت به خداوند دانسته‌اند. فلاسفه از این نوع شرّ به عدم کمال مطلق تعبیر کرده‌اند.

ج) بر این تقسیم بندی قسم چهارمی را نیز افزودند و از آن به شرّ عاطفی تعبیر می شود.

مراد از شرّ عاطفی انواع درد و رنجی است که، انسان در جسم و روح خود احساس می کند مثلاً، احساس سر درد، غم هجران. این شرور را از آن جهت شرور عاطفی گفتند که از احوال انسانی اند (قدردان قراملکی، ۱۳۷۷: ۲۵).

### مصادیق اصلی و تبعی شرّ

می توان شرور طبیعی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و ما بعد الطبیعی را به تقسیم بندی اصلی بازگرداند بدین صورت که شرّ را به دو دسته اصلی و تبعی تقسیم کرد.

آنچه حقیقتاً شرّ محسوب می شود، درد و رنج می باشد. دردهای جسمانی و روحانی اند که مصادیق اصلی و راستین شرّ را تشکیل می دهند. بنابراین، هر نوع نقص و ایرادی وقتی در شمار شرّ و بدی هستند که درد و رنج را به همراه آورند و چیزهای دیگر که ما آنها را شرّ به حساب می آوریم، شرّ نیستند، بلکه به تبع شرّی که در فوق ذکر شد، به شرّ متصف می شوند. در این صورت شرّهای طبیعی زمانی تحت عنوان شرّ قرار می گیرند که درد و رنج را در پی آورند.

به عنوان نمونه، هنگامی که دستی بر سر کسی می خورد خود به خود نه خیر است و نه شرّ اما اگر این ضربت به منظور ابراز محبت و عطف باشد که موجب خوشحالی می شود، خیر است و اگر از سرکینه تیزی و کینه ورزی باشد و موجب درد و رنج در طرف مقابل شود، شرّ به حساب آورده می شود. خیر یا شرّ بودن خوشی یا رنج دریافت کننده ضربه، حقیقی می باشد، در حالی که خیر یا شرّ بودن ضربه دست، مجازی می باشد (صادقی، ۱۳۸۲: ۳۴۵).